

آفرینش، تکامل، یا هر دو؟ - ۱

قسمت اول

بسیاری از مسیحیان به توسعه علوم فیزیک کمک کرده‌اند که در طی چند قرن گذشته از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. اما گاهی اوقات به نظر می‌رسد که تئوری‌های دانشمندان دارای اهدافی مغایر با تعلیمات عهد قدیم است. این امر بخصوص در مورد داستانهای خلقت جهان صادق است که توسط خداوند در کتاب پیدایش تداعی شده است (پیدایش فصلهای ۱-۲). این حکایتها به راحتی همگون با عقاید غیر مذهبیان امروزی درباره گستره حیات بر روی زمین نیست.

پیدایش به ما می‌گوید که خدا آسمانها و زمین را آفرید (پیدایش ۱: ۱). خداوند چیزهای گوناگون را در روزهای مختلف با نظم و به منظور خاصی آفرید و در هفتمین روز استراحت کرد (پیدایش ۲: ۲). خداوند به تمام چیزهایی که در هر روز آفریده بود نگاه کرد و همانا بسیار نیکو بود (پیدایش ۱: ۳۱). خداوند انسان را بصورت خود (پیدایش ۱: ۲۷)، و به شکل مرد و زن آفرید. فصل ۲ به ما می‌گوید که خداوند انسان را از خاک زمین شکل داد، و روح حیات بر او دمید. سپس خداوند از آن دنده که از آدم گرفته بود، زنی بنا کرد (پیدایش ۲: ۲۲).

برخی از دانشمندان به خداوند، یا به فرشتگان، یا به هر چیز روحانی در این دنیا هیچ اعتقادی ندارند. دانشمندان بی خدا بر این باورند که تنها واقعیت موجود، ماده فیزیکی است و تنها راه رسیدن به حقیقت از طریق دانشمندان علوم از قبیل فیزیک، شیمی و زیست شناسی امکان پذیر است. آنها صرفاً بر چیزهایی اعتقاد دارند که برای آنها قابل مشاهده، آزمایش، و سنجش باشد. گرچه بسیاری از دانشمندان نیز مسیحیانی هستند که به خداوند، به پسر او عیسی مسیح، و به دنیای روحانی ایمان دارند که قابل رؤیت یا سنجش به وسیله روشهای علوم مادی نیست. دانشمندانی که مسیحی هستند جهان را برای شناخت بیشتر از آفرینش خداوند مورد بررسی قرار می‌دهند. آنها موافق هستند که علوم مادی یک طریق مهم برای شناخت بعضی از حقایق است. اما آنها تشخیص داده‌اند که حقایق بسیار دیگری نیز وجود دارند که صرفاً و تنها بوسیله علوم قابل کشف نیست؛ برای مثال، حقایق درباره محبت، عدالت، یا زیبایی. با این وجود یک محدوده اختلاف و عدم توافق وجود دارد: مسیحیان موافق نیستند که دستاوردها و تعالیم علوم امروزی را به نحوی با حکایات آفرینش در کتاب پیدایش وفق دهند.

همه موافق هستند که بتدریج و در طی زمانهای طولانی تغییرات بسیاری در گیاهان و حیوانات اطراف ما بوجود آمده است. برخی از این تغییرات به سبب جهش ژنتیکی در ماده شکل گرفته و سپس به نسلهای بعدی منتقل شده است. تئوری تکامل استدلال می‌کند که بسیاری از این چیزها با تغییرات آهسته می‌توانند گیاهان و حیواناتی را بوجود آورند که کاملاً با شکل اولیه خود متفاوت هستند. در این تئوری جهش اشکالاتی وجود دارد. حتی دانشمندان غیر مسیحی به این نکته اشاره می‌کنند که اغلب جهشها نه تنها مفید نیستند بلکه مضر هستند. دانشمندان بیشتر و بیشتری بر این باورند که جهشهای طبیعی برای توضیح تفاوتهای اساسی مابین انواع گوناگون گیاهان و حیوانات به تنهایی کافی نیستند. آنها استدلال می‌کنند که برخی از این تغییرات بوسیله تغییرات طبیعی رخ نداده است، بلکه نتیجه یک برنامه ریزی منطقی یا یک طراحی هوشمندانه بوده است که این دستاورد حتی غیر مسیحیان را نیز به استدلال وجود یک طراح سوق می‌دهد. البته مسیحیان در واقع به یک طراح هوشمند ایمان دارند. این خدای کتاب

مقدس است، خدایی که جهان را در کتاب پیدایش فصل ۱ و ۲ آفرید. سه دیدگاه اصلی در ارتباط با روشهای مورد استفاده خداوند برای آفرینش جهان وجود دارد، و هر دیدگاه برای تایید نظریه خود از استدلال دانشمندانی استفاده می‌کند که مسیحی هستند.

منبع رازگاه

این مطلب ادامه دارد



آیا شیطان عامل اصلی بیماری های روانی است؟